

Strategies to Strengthen Cooperation between Iran and Lebanese Resistance with an Emphasis on Cultural Elements

Alireza Beigi *

Received: 2022/09/12

Accepted: 2022/11/18

Abstract

Through the political developments in Lebanon and the emergence of resistance in the south of this country, unprecedented opportunities have arisen in the field of cooperation between the Islamic Republic of Iran and the Lebanese resistance in various dimensions, especially in the field of culture. Along with the existing opportunities, there are also threats from Iran's enemies and the Lebanese resistance, which can be turned into opportunities by adopting new approaches in the fields of cooperation between these two actors. The main goal of this research is to provide strategies to develop and deepen relations between Iran and Lebanon's resistance in the field of culture and help foreign policy institutions. Library and document research methods for data collection, and the SWOT method with a descriptive and analytical approach were used for data analysis. Based on the findings, the Islamic Republic of Iran is facing challenges in its interaction and cooperation with the Lebanese Hezbollah movement, while the two actors have significant opportunities to develop and strengthen their relations. Therefore, by turning these strengths into opportunities, it is possible to develop and strengthen the relations between the Islamic Republic of Iran and the Lebanese resistance. One of the notable strengths is the coordinated leadership of Seyed Hassan Nasrallah with the leader of the Islamic Republic of Iran and the solidarity between the Shiites of the two countries, which can lead to the promotion of Shiite identity and the culture of resistance against the Hebrew axis.

Keywords: Iran, Lebanon, Hezbollah, Resistance, Axis of Resistance, SWOT.

* Ph.D. candidate of Political Science, Imam Sadiq University, (corresponding author),

a.r.beygi20@gmail.com

ارائه راهبردهای تقویت همکاری‌های ایران و مقاومت لبنان با تأکید بر عناصر فرهنگی

علیرضا بیگی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

چکیده

از رهگذر تحولات سیاسی لبنان و به وجود آمدن مقاومت در جنوب این کشور، فرصت‌های کم‌نظیری در زمینه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با مقاومت لبنان در ابعاد گوناگون و خصوصاً در عرصه فرهنگ به وجود آمده است. در کنار فرصت‌های موجود، تهدیدهایی نیز از ناحیه دشمنان ایران و مقاومت لبنان وجود دارد که با اتخاذ رویکردهایی جدید در زمینه‌های همکاری‌های این دو بازیگر می‌توان تهدیدهای موجود را تبدیل به فرصت کرد. هدف اصلی این پژوهش ارائه راهبردهایی به منظور توسعه و تعمیق روابط ایران و مقاومت لبنان در عرصه فرهنگ و کمک به دستگاه‌های حوزه سیاست خارجی است. در این مقاله برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش SWOT موسوم به «سوات» با رویکرد توصیفی تحلیلی استفاده شده است و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش جمهوری اسلامی ایران در تعامل و همکاری با جنبش حزب‌الله لبنان با چالش‌هایی مواجه است؛ این درحالی است که دو بازیگر از نقاط قوت قابل توجهی برای توسعه و تقویت روابط خود برخوردار هستند. از این رو با تبدیل این نقاط قوت به فرصت می‌توان به توسعه و تقویت روابط جمهوری اسلامی ایران و مقاومت لبنان پرداخت. از نقاط قوت قابل توجه، رهبری هماهنگ و همسو سیدحسین نصرالله با رهبر جمهوری اسلامی ایران و همبستگی شیعیان لبنان و ایران است که می‌تواند به همبستگی شیعیان دو کشور و ترویج هویت شیعی و فرهنگ مقاومت در برابر محور عبری بینجامد.

واژگان کلیدی: ایران، لبنان، حزب‌الله، مقاومت، محور مقاومت، سوات.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران،
a.r.beygi20@gmail.com (نویسنده مسئول).

مقدمه

جایگاه ویژه لبنان در تحولات سیاسی و نظامی غرب آسیا، این کشور را در زمره کشورهای اثرگذار در روند جریان‌ات سیاسی منطقه به ویژه مسأله فلسطین قرار داده است. در این رابطه فیلیپ خوری حتی، مورخ مسیحی لبنانی بیان داشته است «لبنان اگرچه از نظر جغرافیایی یک موجود میکروسکوپی در جهان است اما از نظر تأثیرات سیاسی در منطقه یک موجود جهانی است». این جمله حکایت از میزان اهمیت این کشور کوچک ۱۰۴۵۲ کیلومتر مربعی دارد. آنچه امروزه موجب توجه به لبنان گردیده، همسایگی آن با سوریه از شمال و شرق و با فلسطین اشغالی از جنوب و اتصال آن به دریای مدیترانه از غرب است. این ویژگی جغرافیایی لبنان را به گذرگاه سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا تبدیل کرده است. مجاورت با اراضی اشغالی فلسطین و قرار داشتن در کانون منازعات اعراب و رژیم صهیونیستی و تبدیل شدن به فعال‌ترین جبهه مقاومت ضد صهیونیستی سبب افزایش اهمیت لبنان شده است.

لبنان از معدود جمهوری‌های پارلمانی واقعی غرب آسیا و جهان عرب به شمار می‌رود که در چندسال اخیر دچار مشکلات اقتصادی و حتی بحران‌هایی در تشکیل دولت گردیده است. اغلب مقامات بیروت و حتی شورای روابط خارجی اروپا نظم طایفه‌گرایانه ناشی از کنفرانس طائف که منجر به محدود شدن هیئت حاکمه لبنان به عده‌ای از جنگ‌سالاران دهه ۱۹۸۰ گردید را عامل اصلی بروز بحران‌های مختلف سیاسی و اقتصادی این کشور می‌دانند. آنان راه حل این مشکل‌ها را روش‌هایی می‌دانند که منجر به تضعیف گروه‌های مقاومت لبنان و یا کاهش روابط جمهوری اسلامی ایران با لبنان می‌شود؛ خلع سلاح حزب‌الله لبنان یکی از روش‌های مزبور مورد نظر برخی از مقامات بیروت و شورای روابط خارجی اروپا است. از این‌رو در این نوشتار تلاش می‌شود تا از رهیافت بررسی نقاط قوت و ضعف همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و مقاومت اسلامی لبنان، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی همکاری‌های این دو عضو محور مقاومت را تبیین ساخت و راهکارهایی برای تقویت همکاری‌های آنان ارائه داد.

برای نیل به این مهم تلاش شده است از روش اسنادی جهت گردآوری داده، از تکنیک سوات به مثابه روش پژوهش جهت تحلیل داده و نظریه همکاری‌های بین‌المللی به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شود.

اهمیت پژوهش حاضر از این حیث است که نگاه واقع‌بینانه‌ای در ارتباط با توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با لبنان به دستگاه‌های تصمیم‌ساز و اجرایی در عرصه سیاست خارجی ارائه می‌گردد. ضرورت پژوهش نیز از این حیث است که در صورت عدم بررسی تهدیدهای پیش روی همکاری‌های دوجانبه، ممکن است همکاری‌های ایران و مقاومت لبنان با خلل‌هایی مواجه شود و این امر در پایان منجر به تضعیف مقاومت لبنان گردد.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از «راهبردهای تقویت همکاری ایران و مقاومت لبنان چیست؟». سؤال‌های فرعی پژوهش نیز عبارت هستند از «نقاط قوت همکاری ایران و مقاومت لبنان چیست؟»، «فرصت‌های همکاری ایران و مقاومت لبنان چیست؟»، «نقاط ضعف همکاری ایران و مقاومت لبنان چیست؟» و «تهدیدهای همکاری ایران و مقاومت لبنان چیست؟».

مهم‌ترین هدف نوشتار حاضر یافتن راه‌کارهای توسعه و تعمیق روابط ایران و مقاومت است. کمک به دستگاه‌های اجرایی حوزه سیاست خارجی در اتخاذ راهبرد صحیح در قبال مقاومت لبنان و برطرف نمودن خلأهای پژوهشی در این رابطه نیز از دیگر اهداف این پژوهش است.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با پژوهش حاضر مقاله‌ای با عنوان «راهبردنگاری نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت اسلامی با تحلیل «SWOT» نگاشته شده است. نویسندگان مقاله حاضر با استفاده روش سوات به بررسی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای بهبود موقعیت منطقه‌ای خود در محور مقاومت می‌پردازند. بر اساس نتایج این مقاله چنین برداشت می‌شود که جمهوری اسلامی ایران در رهبری محور مقاومت،

کارآمدی قابل قبولی داشته و فرصت‌سازی خارجی کرده است، اما با تهدیداتی در خارج و نقاط ضعفی در داخل کشور روبه‌رو می‌باشد؛ در نتیجه جمهوری اسلامی برای بهبود نقش و جایگاه خود در محور مقاومت، باید تلاش کند جایگاه مقاومت در صحنه سیاسی ملی این کشورها را تقویت نماید (قربانی و دیگران، ۱۳۹۹). در پژوهش مذکور با استفاده از نظریه سازه‌نگاری به چرایی منطق حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت پرداخته است و روش پژوهش اکثراً بر اساس مصاحبه عمیق و گفتگو با متخصصان و پژوهشگران این حوزه بوده است. تفاوت پژوهش حاضر با تحقیق مذکور در این است، که به طور اخص فقط به کشور لبنان و نه محور مقاومت به عنوان یک مجموعه کامل همگن می‌پردازد. وجه تمایز دوم نیز، مد نظر قراردادن عناصر فرهنگی برای پیشنهاد راهبردهای تقویت همکاری‌های ایران و مقاومت لبنان است و از عواملی نظیر مسائل نظامی و ژئوپلیتیکی جلوگیری می‌کند.

پژوهش دیگری که مشابه این تحقیق نگاشته شده است، مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین الگوی دوستی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان در قالب محور مقاومت با تأکید بر نظریه موازنه قدرت» است.

بنیان نظری پژوهش مذکور، نظریه موازنه قدرت است و بر اساس سیستم موازنه قوا به ارائه راهبردهایی نظامی برای تقویت این همکاری در تقابل با محور محافظه کار عبری-عربی پرداخته است. مواردی نظیر تقابل با اسرائیل، حمایت از سوریه به مثابه پل ارتباطی میان ایران و حزب‌الله و مقابله‌جویی با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از شاخص‌های قرابت‌ساز بین ایران و لبنان است. از آن‌سو مواردی که باعث افزایش قدرت محور عبری-عربی و دول غربی می‌شود عبارتند از: سیاست نزدیکی به اسرائیل توسط کشورهای منطقه و افزایش همکاری‌های نظامی آنها با ایالات متحده آمریکا.

پژوهش پیش رو با استفاده از روش SWOT به توسعه راهبردهای همکاری‌جویانه پرداخته است و به‌جای استفاده از نظریه موازنه قدرت که اصل را بر تقابل با محور عبری گذاشته است و بر جنبه‌های نظامی تأکید کرده است، در این پژوهش بر اساس

نظریه همکاری‌های بین‌المللی اصل را بر تعامل با حزب‌الله لبنان و تأکید بر جنبه‌های فرهنگی گذاشته است.

۲. روش پژوهش

روش SWOT که در زبان فارسی آن را «سوات» می‌خوانند روشی است که نخستین مرتبه توسط یک مشاور کسب و کار آمریکایی به نام آلبرت هامفری^۱ در دهه ۶۰ قرن نوزدهم ابداع گردید (Jain, 2015, p. 2)؛ در آن زمان این الگوی تحلیل به‌عنوان یک ابزار مدیریتی کارآمد شناخته می‌شد اما پس از آنکه فردی با عنوان جک ولش^۲، مدیر بازرگانی شرکت جنرال الکتریک در سال ۱۹۸۰ از آن برای مطالعه راهبردهای شرکت جنرال الکتریک و افزایش بهره‌وری این شرکت چندملیتی بهره برد در سطح جهان شناخته شد (Abdi, 2003, p. 1).

در ابتدای معرفی روش تحلیل سوات می‌بایست عنوان داشت که این روش یک ابزار کلاسیک برنامه‌ریزی راهبردی است که ابتدا در سازمان‌ها، بنگاه‌های بازرگانی و غیره مورد استفاده قرار گرفت. پس از آنکه کارایی و سودمندی این روش به منصف ظهور رسید شاخه‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی جهت ساماندهی تحلیل‌های خود از آن بهره بردند. پس از مدتی نیز با پیوند علوم سیاسی با رهیافت نهادی و ورود نگرش‌های مختلف جامعه‌شناختی همچون جامعه‌شناسی سازمان‌ها که دولت را به‌مثابه سازمانی در نظر می‌گیرد که در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل نیز باید با دول دیگر و کشورهای مختلف به‌مثابه سازمان‌های هم‌عرض یا رقیب، همکاری یا رقابت داشته باشد، استفاده از این روش در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بسیار مؤثر و کارآمد دانسته شد (خواجوی، ۱۳۹۳، ص. ۲).

1. Albert S. Humphrey

2. Jack Welch

عبارت سوات اصطلاح مختصر حروف نخست کلمات «قوت»^۱، «ضعف»^۲، «فرصت»^۳ و «تهدید»^۴ بوده که بر شناخت نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها متمرکز است که در ذیل معنای هر یک از عبارات فوق بیان می‌گردد (Gulam, 2020, pp.6-9):
قوت: قوت یا قدرت به معنای نقاط قوت برای دستیابی به اهداف است زیرا اشاره به منابع یا توانایی‌های بالقوه‌ای دارد که یک بازیگر حقیقی یا حقوقی می‌تواند برای نیل به منافع خود از آن استفاده کند.

ضعف: ضعف یا محدودیت به نقاط ضعف یک بازیگر در دستیابی به منافع اشاره دارد؛ زیرا ضعف، محدودیت یا کمبودها در مؤلفه‌های قدرت نرم یا سخت ممکن است مانع از دستیابی یک بازیگر حقیقی یا حقوقی به منافع ملی خود شود.

فرصت: فرصت به موقعیت‌های مطلوب خارج از محیط حکمرانی بازیگر اشاره دارد که می‌تواند منجر به تحقق اهداف ملی یا فراملی بازیگر شود. این مؤلفه نگاه بیرونی به منافع ملی بازیگر و امکان تحقق آن را دارد.

تهدید: تهدید به وضعیت‌های نامطلوب خارج از محیط حکمرانی بازیگر اشاره دارد که می‌تواند با آسیب رساندن به راهبردهای بازیگر مانع از تحقق اهداف ملی و فراملی آن گردد. تهدید نیز همانند مؤلفه فرصت نگاه بیرونی به منافع ملی بازیگر و امکان تحقق آن را دارد.

هدف اساسی در روش سوات پیوند دادن نقاط قوت و ضعف با فرصت‌ها و تهدیدهاست. به عبارتی مقصود از به‌کارگیری این روش از یک‌سو، استفاده از

-
- 1 . Strength
 - 2 . Weakness
 - 3 . Opportunity
 - 4 . Threat

فرصت‌ها و تبدیل آن‌ها به مؤلفه قدرت و از سوی دیگر مقابله با تهدیدات و جلوگیری از ضعف سازمان است.

از رهیافت این روش می‌توان نقاط قوت و ضعف سیاست‌گذاری خود (S-W) و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای گسترده‌تر (O-T) آن را شناسایی کرد (David F, 2010, p. 64)، زیرا این روش بر آنالیز عوامل مثبت و منفی درون‌سازمانی (قدرت، ضعف) و برون‌سازمانی (فرصت، تهدید) تأکید می‌کند و به دنبال پرداختن به مسأله برنامه‌ریزی راهبرد و سیاست‌گذاری از منظری دوگانه است:

الف) ارزیابی خارجی (تهدیدها و فرصت‌ها در منطقه)

ب) ارزیابی داخلی (نقاط قوت و ضعف درونی کشور)

جدول شماره (1): جدول ماتریس سوات (مأخذ: وبسایت BioEnergyFarm)

نقاط مثبت	نقاط منفی	SWOT
(S) قوت‌ها	(W) ضعف‌ها	
(S1) (S2)	(W1) (W2)	تأثیر داخلی
(O) فرصت‌ها	(T) تهدیدها	تأثیر خارجی
(O1) (O2)	(T1) (T2)	

۳. بنیان نظری پژوهش

۱-۱. همکاری‌های بین‌المللی

عبارت «همکاری» یکی از مفاهیم پرکاربرد و پربسامد در ادبیات روابط بین‌الملل است. این مفهوم دارای تعاریف و تلقی‌های مختلفی است. برخی آن را «وضعیت مورد توافق طرف‌های همکاری جهت حصول منافع هر یک از اعضا از طریق پرداخت هزینه و تبادر به اقدام و کنش منسجم و هماهنگ» می‌نامند (Zartman and Touval, 2010).

p.1). برخی دیگر نیز آن را «یک نوع رابطه و الگویی از تعاملات بین دو یا چند بازیگر» عنوان می‌دارند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ص. ۹۰). برخی دیگر از پژوهشگران «سازگار ساختن رفتار بازیگران با ترجیحات بالفعل یا مورد انتظار دیگران از طریق هماهنگ‌سازی سیاست‌ها» را یک تعریف معیار برای مفهوم همکاری دانسته‌اند (دهقانی فیروزآبادی به نقل از Axelrod and Keohane, 1985, p. 226).

عده‌ای از کارشناسان روابط بین‌الملل بر این باور هستند که همکاری بین‌المللی به معنای توسعه استانداردهای مشترک توسط دولت‌ها و سازمان‌ها با هدف ایجاد برنامه‌هایی است که مزایا و محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرد که به شکل بالقوه می‌تواند به بیش از یک جامعه و حتی همه جامعه بین‌المللی تعمیم پیدا کند (Eiiti Sato, 2010, p. 42).

اساساً سیستم همکاری بین‌المللی از ویرانه‌های جنگ جهانی دوم متولد شد، هنگامی که ایالات متحده از اعتبارات خود برای کمک به بازسازی اروپای جنگ‌زده استفاده کرد (Tandon 2008, p. 8). واقعیت امر این است که در برهه کنونی جهانی شدن، همه ملت‌ها باید سیاست همکاری بین‌المللی را تعقیب کنند. پدیده «جهانی شدن» اساساً به این معناست که وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اساساً با واقعیت بین‌المللی ادغام شده است و در نتیجه ثبات نهادها و سیاست‌ها با هدف توسعه اقتصادی و ارتقای امنیت منطقه‌ای و جهانی، به‌طور فزاینده‌ای به تعامل و همکاری با حوزه بین‌المللی وابسته است (Eiiti Sato, 2010, p. 44). بنابراین نظریه همکاری‌های بین‌المللی چارچوبی به دنبال درک و توضیح چگونگی همکاری دولت‌ها و سایر بازیگران برای حل چالش‌های مشترک و دستیابی به اهداف مشترک است. این نظریه بر این ایده تأکید دارد، که همکاری بین کشورها رویکردی کارآمد و مؤثر برای دستیابی به منافع متقابل و حل چالش‌ها و مشکلات است. همچنین قدرت نرم که شامل تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جذب و اقناع و نه اجبار است، ابزار مهمی در همکاری‌های بین‌المللی تلقی می‌شود (Kate O'Neill, 2004, p. 2).

از نظر واقع‌گرایان، همکاری بین‌المللی تنها زمانی منطقی است که منافع ملی حیاتی طرفین در نظر گرفته شود. در سنت فکری ماکیاوولی - هابزی تعهدات بین‌المللی که جدا از تعقیب منافع ملی باشد، اساساً رد می‌شود و محاسبه عقلانی منافع ملی را عامل اصلی همکاری یا مناقشه بین ملت‌ها می‌داند. بر اساس این، معیار اولیه برای همکاری بین‌المللی این است که توازن مشخصی بین منافع ملی رقبا در نظر گرفته شود (Lauri, Siitonen, 1990, p. 18).

هم‌چنین رئالیست‌ها معتقدند که دولت‌ها بیشتر به کسب منافع نسبی اهمیت می‌دهند تا منافع مطلق و آن‌ها نگران توازن قوا هستند. به عبارتی واقع‌گرایان استدلال می‌کنند، حتی زمانی که همکاری بین‌المللی منافع مطلق ارزشمندی را برای دولتی به ارمغان می‌آورد، اگر آن دولت متوجه شود که شرکای آن به دستاوردهای بزرگ‌تری دست پیدا می‌کنند، همکاری نخواهد کرد. مسائل مربوط به منافع نسبی عمدتاً در بحث امنیت مطرح می‌شوند و بنابراین همکاری امنیتی بین کشورها را سخت‌تر خواهد کرد. ثانیاً، هر دولت نگران است که دستاوردهای حاصل از همکاری به‌طور نابرابر توزیع شود و در نتیجه وضعیت موازنه قدرت را وخیم‌تر سازد. ثالثاً، دولت‌ها می‌ترسند که همکاری ممکن است دولت را بیشتر به دیگران وابسته سازد و در نتیجه به حاکمیت وی آسیب رساند (Thanh Phan, 2018, pp. 9-10). باین حال، واقع‌گرایان در هیچ کجا ادعا نمی‌کنند که همکاری بین دولت‌ها غیرممکن است، بلکه نکته‌ای که بر آن تأکید می‌کنند این است که همکاری بین‌المللی به‌سختی به دست می‌آید و ادامه می‌یابد (Mohammed Nuruzzaman, 2008, p. 3).

پارادایم مسلط معاصر برای بحث همکاری‌های بین‌المللی، انترناسیونالیسم لیبرال است که در آن دولت‌ها به‌طور رسمی در مورد معاهدات چندجانبه مذاکره می‌کنند و سازمان‌های بین‌المللی را تأسیس می‌کنند. هسته اصلی پروژه انترناسیونالیسم لیبرال، با تأسیس سازمان ملل متحد و نهادهای برتون وودز یعنی بانک جهانی، صندوق

بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی شکل گرفته است (Kal Raustiala, 2002, p. 18).

با وجود انتقادهای برخی از اندیشمندان به موضوع همکاری بین‌المللی، اما این اجماع وجود دارد که همکاری چندجانبه/ بین دولتی هنوز محور حکومت جهانی برای حل اکثر مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. این فرآیندهای چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی هستند که اغلب باعث ایجاد مشارکت و تعامل بین‌المللی می‌شوند؛ همانند اجلاس جهانی ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار (WSSD) در سال ۲۰۰۲ (Pattberg et al. 2012, p. 1).

همکاری بین‌المللی انواع و اشکال گوناگونی دارد. این مفهوم بر اساس ماهیت و نوع بازیگران، شکل، نوع همکاری و حوزه موضوعی به چند دسته تقسیم می‌شود. همکاری بین‌المللی بر اساس شیوه و شکل به دو صورت رسمی و غیررسمی قابل تقسیم است. بر اساس حوزه فعالیت‌های همکاری به انواع مختلف همکاری‌های بین‌المللی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و غیره تقسیم شده است. همکاری بین‌المللی بر اساس ماهیت و نوع بازیگران بین‌المللی نیز به دو نوع همکاری بین‌المللی بین دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، صص. ۹۰-۹۱).

همکاری بین دولتی دوجانبه میان دولت‌ها و کشورها مهم‌ترین، رایج‌ترین و شاخص‌ترین همکاری بین‌المللی است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل رواج دارد (Sterling-Folker, 2002). همکاری بین‌المللی بین دولتی نیز خود به دو قسم میان حکومتی و بین حکومتی تقسیم می‌گردد. همکاری بین حکومتی عبارت است از همکاری مستقیم حکومت‌های دو یا چند کشور که از طریق تصمیم‌سازی داخلی درون کشورها اجرایی می‌شود. همکاری بین حکومتی توسط تصمیم‌گیرندگان و کارگزارانی مدیریت و هدایت می‌شود که رسماً مسئولیت سیاست خارجی کشور خود را برعهده دارند. همکاری میان حکومتی نیز در چارچوب روابط و تعاملات میان دو یا چند واحد

تشکیل‌دهنده حکومت به صورت غیررسمی صورت می‌پذیرد (Raustiala, 2002, pp. 10-11) که عبارت است از مجموعه‌ای از تعاملات مستقیم میان واحدهای زیرمجموعه حکومت‌ها که به وسیله سیاست‌های هیئت یا رئیس حکومت‌ها به صورت مستقیم و از نزدیک کنترل نمی‌شود (Keohane and Nye, 1974, p. 43).

۴. نقاط قوت همکاری‌های ایران و محور مقاومت در لبنان

در این قسمت از مقاله سعی شده است تا نقاط قوتی که می‌تواند برای طرفین جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت لبنان فرصت‌ساز باشد مورد بررسی قرار گیرد. این نقاط قوت صرفاً منحصر به گروه‌های مقاومت در لبنان نبوده، بلکه بخشی از این نقاط قوتی که به کشور و یا دولت لبنان اختصاص داشته و مقاومت لبنان نیز می‌تواند از آن‌ها بهره‌مند گردد، نیز ذکر شده‌اند.

۴-۱. کارآمدی حزب‌الله در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی

جنبش مقاومت اسلامی لبنان موسوم به حزب‌الله در ابتدای تأسیس خود با محدودیت، چالش، مشکل و مانع‌تراشی‌های بسیاری در داخل جامعه لبنان و محیط پیرامونی این کشور مواجه بود، اما توانست با بهره‌برداری مناسب از امکانات محدود خود به مقابله با تهدیدات نظامی فرامرزی و چالش‌ها و بحران‌های داخلی پرداخته و با نگاهی ملی در مسیر خدمت‌رسانی اجتماعی گام بردارد. این امر سبب گردید تا حزب‌الله ابتدا به مقبولیت اجتماعی نائل آید و با افزایش محبوبیت خود در اجتماع بتواند مشروعیت سیاسی نیز به دست آورد (درخشه و بیگی، ۱۳۹۵)؛ برای مثال حزب‌الله با اقبال قابل‌توجه مردم به خود توانست بیشترین میزان کرسی‌های نمایندگی مجلس در انتخابات پس از توافق طائف و در آخرین دوره از انتخابات پارلمانی لبنان در سال ۲۰۲۲ را به دست آورد. این روند نشان‌دهنده مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی حزب‌الله در کنار کارآمدی نظامی آن در سد تهاجم رژیم صهیونیستی است.

عملکرد جنبش مقاومت اسلامی لبنان در طی سالیان گذشته و بخصوص در دهه‌های اخیر باعث افزایش محبوبیت و گسترش پایگاه اجتماعی این جنبش در بین

مردم لبنان و منطقه شده است. خدمات گسترده انسانی و اجتماعی حزب‌الله به شهروندان لبنانی از طوایف گوناگون باعث ایجاد پیوند محکم بین فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی حزب‌الله گردیده که نتیجه آن بالا رفتن مشروعیت سیاسی این حزب در لبنان و منطقه بوده است (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۸، صص. ۱۳۹-۱۴۰).

۲-۴. کارآمدی حزب‌الله در تغییر رقبا به هم‌پیمان

جنبش مقاومت اسلامی لبنان در طول تاریخ حیات سیاسی خود توانسته است از میزان دشمنی و رقابت رقبای قدیمی خود کاسته و در پاره‌ای از مواقع آنان را به هم‌پیمان تبدیل سازد. در ابتدا جریان امل به ریاست نبیه بری به عنوان رقیب جنبش حزب‌الله شناخته می‌شد و برخی مواقع به تقابل جدی با حزب‌الله می‌پرداخت اما حزب‌الله این جریان را از رقابت به اتحاد کشاند (سازمند و معصومی زارع، ۱۳۴). این موضوع در قبال طایفه مسیحیان و حتی طیف اندکی از اهل سنت نیز صدق می‌کند. جنبش مقاومت اسلامی لبنان با اتخاذ نگاه ملی‌گرایانه حسن نیت خود با اطمینان و طوایف مختلف لبنان را نشان داده و بدین صورت نظر بخش قابل‌توجهی از مسیحیان و تعداد اندکی از اهل سنت این کشور را به خود جلب کرده است.

۳-۴. افزایش مقبولیت نمایندگان جنبش حزب‌الله

برخی نخبگان حاکم در لبنان یک اقلیت خاص و همیشگی هستند که عامه مردم را از شرکت و ورود به عرصه سیاست باز می‌دارند؛ گویی که هنوز نگاه ارباب - رعیتی در دیدگاه برخی نخبگان این کشور حاکم است. البته جنبش حزب‌الله از این قاعده مستثنی بوده و همین امر از جمله دلایل روند رو به رشد محبوبیت آن بوده است. جنبش حزب‌الله همواره تلاش کرده است تا از درگیری‌های غیرضروری و هزینه‌بر مالی و جانی اجتناب کرده و به جای اهداف قومی و طایفه‌ای خود، اغلب منافع ملی تمام لبنانی‌ها را دنبال کند. این امر در بهبود چهره جنبش حزب‌الله در بین اکثریت مردم لبنان تأثیر بسزایی داشته (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۹) که نتیجه آن در انتخابات

پارلمانی سال ۲۰۲۲ که در پی آن تمام نمایندگان حزب‌الله به پارلمان راه یافتند، مشهود است.

۴-۴. علاقه شیعیان به ایران

ایدئولوژی انقلابی جمهوری اسلامی ایران در کنار مساعدت‌های مختلف آن در طول دهه‌های گذشته به مردم لبنان موجب علاقه‌مندی اغلب مردم به ویژه قاطبه شیعیان این کشور به جمهوری اسلامی ایران شده است. ایران اسلامی از سال ۱۳۶۳ تا به اکنون جهت بهبود وضعیت اجتماعی شیعیان لبنان اقدام به گسترش مراکز خدماتی خود همانند افتتاح مدرسه، درمانگاه، بیمارستان و تعاونی‌های مصرف در این کشور کرده است. ایران از طریق حزب‌الله لبنان مؤسساتی از قبیل بنیاد شهید، جهاد سازندگی، سازمان اسلامی بهداشت، کمیته امداد، بنیاد جانبازان و غیره تأسیس کرده که مشابه مؤسسات ایرانی بوده که توسط خود لبنانی‌ها اداره می‌شود. فعالیت‌های بازسازی جمهوری اسلامی پس از جنگ ۳۳ روزه نیز با ساخت جاده و بزرگراه، بازسازی بیش از ۲۰۰ مدرسه، ساخت مراکز پزشکی، اجرای پروژه‌های تولید و انتقال برق و پاک‌سازی مین‌های جنگی ادامه یافت (بیکی، ۱۳۸۹، صص. ۲۵۴-۲۵۶). خدمات ایران در لبنان امروزه موجب بهبود وجهه جمهوری اسلامی ایران در میان قاطبه مردم این کشور به ویژه شیعیان جنوب و افزایش علاقه آنان به جمهوری اسلامی ایران شده است (دهنوی، ۱۴۰۱/۴/۲۵).

۴-۵. رهبری کارآمد سیدحسین نصرالله

سیدحسین نصرالله در سال ۱۹۹۲ به عنوان سومین دبیر کل (رهبر) جنبش مقاومت اسلامی لبنان تعیین شد. وی پس از انتصاب به این جایگاه تغییراتی در رویکرد و روش حزب‌الله ایجاد کرد و توانست تا به امروز این جنبش را در بحران‌های مختلف هدایت کند. از نظر بسیاری از کارشناسان سیاسی، سیدحسین نصرالله از هوش مدیریتی، انعطاف، صبر، دوراندیشی، عقلانیت، درایت، استقامت، تواضع، قدرت تحلیل و فره ایزدی بالایی برخوردار است (سعد غریب، ۱۳۸۴، صص. ۱۲ و ۷۹؛ سرخیل، ۱۳۸۷، ص. ۹۳؛

محبوب، ۱۳۹۱، صص. ۷۹ و ۱۶۱). همه این عوامل سبب گردیده است تا وی در هدایت و رهبری جنبش حزب‌الله به دور از احساسات زودگذر، در شرایط حساس، واکنش‌های سیاسی - امنیتی مناسبی اتخاذ کند (سازمند و معصومی زارع، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۳). راستگویی، دلسوزی، میهن‌پرستی، شجاعت و توانمندی از جمله صفاتی است که مردم مختلف لبنان برای ایشان به کار می‌برند (درخشه و بیگی، ۱۳۹۵، ص. ۵۱؛ پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۱). ویژگی‌های مزبور به همراه برخورداری از خلاقیت در اندیشه و فکر، توانمندی در اجرا و مدیریت صحیح و قدرت نرم نفوذ در قلوب مردم موجب کارآمدی رهبری ایشان در این حزب شده است (غیائی کرمانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱).

۶-۴. هوشمندی حزب‌الله در تعامل با اقوام مختلف

جنبش حزب‌الله لبنان از هوشمندی بالایی در تعامل با اقوام و مذاهب و اقلیت‌های این کشور برخوردار است. جنبش حزب‌الله و جریان حامی مقاومت، بیش از آنکه جریانی سیاسی و حکومتی باشند، جریانی متکی به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی هستند که گفتمان خود را بعضاً به دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی هم منتقل کرده‌اند (قزوینی، ۱۴۰۱/۲/۲۹). یکی از این گروه‌ها، جامعه مسیحیان است. مسیحیان لبنان که بالقوه می‌توانستند تهدید بزرگی برای حزب‌الله باشند، امروزه در اغلب اوقات به شریک و متحد بالفعل این جنبش شیعی تبدیل شده‌اند. حزب‌الله از اهمیت و احترام کشور فرانسه در نزد مسیحیان لبنان باخبر بوده و از جایگاه فرانسه و اسطوره و فرهنگ فرانسوی در ذهن، فکر و فرهنگ مردم لبنان آگاهی دارد. به همین دلیل در برخورد خود با فرانسه جانب احترام را رعایت می‌کند. فرانسه نیز چنین تعاملی را با حزب‌الله در پیش گرفته است. با وجود اینکه آمریکا از فرانسه تقاضای تقابل جدی با حزب‌الله را دارد اما مقامات فرانسوی با احترام با حزب‌الله برخورد می‌کنند؛ چراکه به قدرت نفوذ این حزب و جمعیت هواخواهان آن آگاهی دارند (اقدامی، ۱۳۹۹/۵/۲۰). اتخاذ چنین

شیوه‌ای در تعامل با اقوام و طوایف، موجب تقویت دیپلماسی عمومی حزب‌الله در جامعه لبنان شده است.

۴-۷. بهره‌گیری مناسب مقاومت از رسانه

مقاومت لبنان در مقایسه با دشمنان خود از ابزارها و امکانات رسانه‌ای ضعیف‌تری برخوردار است؛ اما با وجود این تلاش داشته است تا از ابزارهای رسانه‌ای موجود بهترین و بیشترین استفاده را علیه دشمنان خود بکار گیرد. در واقع یکی از مهم‌ترین نقاط قوت مقاومت لبنان، بهره‌گیری مناسب از فضای رسانه، تبلیغات و جنگ روانی در برابر رژیم اشغالگر قدس است. رسانه‌های تصویری حزب‌الله لبنان همچون شبکه‌های المنار، الکوثر و المیادین با بهره‌گیری مناسب از جنگ روانی از طریق این رسانه‌ها توانسته است در بسیاری مواقع رژیم صهیونیستی را از حمله به لبنان باز دارد (اردیزی، ۱۳۸۹). تهدیدات اخیر سیدحسین نصرالله مبنی بر حمله به تأسیسات اتمی رژیم اشغالگر در دیمونا و مخازن آمونیاک در حیفا و بازگرداندن رژیم صهیونیستی به عصر حجر که موجب صدور دستور تخلیه این مخازن شد، جدیدترین نمونه جنگ روانی حزب‌الله علیه این رژیم و در راستای بازی در یک استراتژی هوشمند از سوی این حزب است. در چندسال اخیر جنگ روانی سیدحسین نصرالله علیه رژیم اشغالگر قدس با کمک رسانه‌های موجود حزب‌الله تأثیر قابل توجهی بر عقب‌نشینی‌های این رژیم داشته است (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۳).

۵. فرصت‌های همکاری‌های ایران و محور مقاومت در لبنان

در این قسمت از پژوهش فرصت‌های همکاری ایران و محور مقاومت در لبنان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. مقصود از فرصت‌ها، ظرفیت‌های استفاده نشده و یا کمتر استفاده شده در روابط دو بازیگر مزبور است.

۵-۱. افزایش انتظارات مردم از حزب‌الله

برخی از مردم لبنان حتی در جامعه مسیحیان نیز در هنگام بروز بحران‌های مختلف در کشور از حزب‌الله انتظار ورود به بحران و حل آن را دارند. برخی مواقع میزان انتظارات

از جنبش حزب‌الله به اندازه‌ای افزایش می‌یابد که انتظار ورود قهرآمیز این جنبش به مباحث داخلی و برطرف ساختن مشکلات و بحران‌ها را دارند. برخی از جوانان نیز با احساسات و هیجانات جوانی خود انتظار خود از حزب برای انقلاب علیه دولت و سیاست‌مداران ناکارآمد و تشکیل دولت خدمت‌گذار را بیان می‌کنند (علوی، ۱۳۹۹/۶/۲۰). فارغ از درستی یا نادرستی، ممکن یا غیرممکن بودن انتظارات این افراد، چنین مباحثی نشان از افزایش انتظارات برخی از اقشار جامعه از حزب‌الله دارد که این موضوع نیز حاکی از کارآمدی این حزب در انجام وظایف خود است. انتظارات بخش قابل توجهی از مردم لبنان برای ورود حزب‌الله به مسائل و مشکلات و حل آنان، فرصت مناسبی جهت خدمت‌رسانی آن به مردم و تثبیت حضور خود در جامعه و سیاست لبنان است.

۲-۵. تولید محصولات سینمایی

با وجود اینکه سینمای ایران در منطقه نسبت به کشورهای عربی از مزیت نسبی برخوردار است، اما نقطه قوت ج.ا.ایران محسوب نمی‌شود؛ چرا که اساساً در ایران با صنعت سینما مواجه نیستیم و یک سینمای نیمه‌جان وجود دارد، که با بودجه عمومی سرپاست. علی‌رغم این مسئله آثار بسیار اندکی از سینمای ایران نیز در جهان با اکران گسترده مخاطبان بین‌المللی مواجه می‌شوند. با وجود این، برخی از تولیدات رسانه‌ای و فرهنگی مذهبی جمهوری اسلامی ایران استقبال بسیار گسترده‌ای در کشورهای محور مقاومت به ویژه لبنان پیدا کرده است. سریال‌های یوسف پیامبر، امام علی (ع)، بادبگارد، مختارنامه، به وقت شام و غیره از جمله تولیدات رسانه‌ای در قالب فیلم و سریال بوده‌اند که در لبنان و به ویژه در میان شیعیان این کشور استقبال قابل توجهی داشته‌اند.

۳-۵. نقش محرم در تقویت هویت شیعیان

نماد و نشانه‌ها از جمله عناصر برجسته سبک زندگی لبنانی‌ها است. لبنانی‌ها اساساً به خاطر نظام طایفه‌ای و مذهبی حاکم بر جغرافیای زندگی خود، مرزهای هویتی خود را با نشانه‌ها، نمادها و گرافیک شهری قلمروبندی نموده‌اند. در کنار این جریان مستمر

نشانه‌ها و نمادها در زندگی روزمره، مناسبت‌های مذهبی و گاه ملی و تاریخی نیز به محمل و بهانه‌ای برای بروز و ظهور مرزهای هویتی و برجسته نمودن آن در فضای شهری تبدیل شده است. محرم یکی از این مناسبت‌های مذهبی و فرصت بروز و ظهور قدرتمند هویت‌مآب شیعیان در جامعه لبنان است. بازیابی هویت شیعی در لبنان نسبتی شورانگیز با محرم و فرهنگ عاشورا دارد. شیعیان لبنان که تا ۴۰ سال گذشته نمی‌توانستند مراسم روضه و عزاداری برگزار کنند، امروزه در ایام محرم با قدرت و صلابت هویت‌شان را به تصویر می‌کشند. توجه به نظم، پاکیزگی، رنگ و ثبت تصویری جذاب از عزاداری جزئی از آداب و رسوم محرمی شیعیان لبنان و بخصوص حزب‌الله است.

زندگی در کنار دیگرانی که مرزهای نشانه‌شناسانه و اعتقادی روشنی دارند سبب شده است تا برگزاری مراسم در میان شیعیان به طور کلی از نظم، پاکیزگی و دقت برخوردار باشد. از این منظر شاید منظم‌ترین عزاداری شیعیان و البته بهترین شیوه نامه برای مدیریت تصویر عزاداری برای امام حسین «ع» متعلق به حزب‌الله باشد.

جنبش حزب‌الله با درک عمیق زندگی و زمانه در جامعه لبنان از سال‌ها پیش به گونه‌ای طبیعی و متناسب با نیاز و ذائقه شیعه این کشور، مناسبت‌های مذهبی به خصوص ایام محرم، نیمه شعبان و ماه مبارک رمضان را ساماندهی و به عبارت بهتر متناسب با فرهنگ لبنانی و شیعی غنی‌سازی کرده است. حزب‌الله در سه مناسبت کلیدی فوق، به صورت سالانه و متناسب با مسائل روز، آرم، نشانه و شعاری را محور قرار داده و آن‌ها را به روز می‌نماید. نشانه‌های بصری و گرافیکی در این جامعه رنگارنگ و متکثر اهمیت بسیار زیادی دارد که حزب‌الله به خوبی از آنان استفاده می‌کند. سلیقه و ذکاوت حزب‌الله در جامعه طایفه‌ای لبنان که با اهل سنت و مسیحیان ترکیب گردیده، عزاداری محرم را به یک فرصت تبدیل کرده است (غفاری، ۱۴۰۰/۵/۲۴).

۴-۵. گروه‌های سیاسی و فرصت حزب‌الله برای اثبات حسن نیت

ساختار اجتماعی و سیاسی لبنان به گونه‌ای است که گروه‌های داخلی و بازیگران خارجی جهت نیل به اهداف خود بحران‌هایی را به وجود می‌آورند، سپس برای حل این بحران‌ها مطالباتی را از مردم و سایر گروه‌ها درخواست می‌کنند؛ مثلاً در پی بحران مالی بی‌سابقه چند سال اخیر، کنفرانسی با عنوان کنفرانس سدر در فرانسه جهت سرمایه‌گذاری ۱۱ میلیاردی در لبنان تشکیل شد. عملی شدن این وعده منوط به انجام اصلاحات مورد نظر بانک جهانی و یا تغییر ساختار طایفه‌گرای سیاسی گردید. برخی دیگر از بازیگران خارجی همچون عربستان و امارات نیز اعتراض مردم علیه حزب‌الله جهت خلع سلاح شدن و کاهش کنشگری سیاسی این حزب را شرط انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در این کشور می‌دانند. برخی دیگر از کشورهای منطقه نیز به همین صورت اعطای کمک‌های محدود مالی خود به دولت لبنان را منوط به تغییر نظم سیاسی لبنان و تحت فشار قرار دادن حزب‌الله می‌دانند. این در حالی است که جنبش حزب‌الله لبنان در هنگام بحران‌ها با نگرش ملی‌گرایی خود در قالب خیریه‌های مختلف مردم‌نهاد به حل بحران‌های مختلف بهداشتی، آب شرب، سوخت و غیره می‌پرداخت (سعدالدین، ۱۴۰۰/۶/۸) و بدین طریق توانست حسن نیت خود را به جامعه لبنانی به اثبات برساند.

۶. نقاط ضعف همکاری‌های ایران و محور مقاومت

در پاره‌ای مواقع اموری مانع از بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های موجود جهت تحقق همکاری‌های دو بازیگر در سطوح عالی می‌شود. در واقع در برخی موارد ضعف‌هایی در روابط و همکاری‌های دو بازیگر به وجود می‌آید که مانع از ارتقای سطح روابط میان آنان می‌شود. این ضعف‌ها را می‌بایست شناسایی و برطرف کرد. امری که در این قسمت از پژوهش در قبال روابط ایران و محور مقاومت در لبنان صورت می‌پذیرد.

۶-۱. ساختار سیاسی مبتنی بر قومیت

ساختار پدرسالاری سنتی، اجتماع‌گرایی، فرقه‌گرایی و ساختار سیاسی مبتنی بر قومیت از دیرباز در لبنان وجود داشته است. این سیستم از دوره حاکمیت امپراتوری عثمانی بر سرزمین‌های کشورهای عربی آغاز شد، در سال ۱۹۲۶ در قانون اساسی لبنان به ثبات رسید، در سال ۱۹۴۳ توسط میثاق ملی تقویت گردید، در سال ۱۹۸۹ در توافق طائف بازتولید شد و در سال ۲۰۰۸ در توافق دوحه ضمن اصلاح عدم تعادل‌های فرقه‌ای و تعدیل عدم تناسب در نمایندگی بار دیگر این سیستم و ساختار تقویت گردید. مسیحیان لبنان با فرهنگ غربی و شاخص‌های اقتصادی به دنبال حمایت کشورهای غربی به ویژه فرانسه بوده و مسلمانان نیز غالباً درصدد ائتلاف یا با عربستان سعودی و یا با جمهوری اسلامی ایران هستند (کریمی فرد، ۱۴۰۰، صص. ۲۵۶-۲۵۸). چنین ساختاری مانع از به وجود آمدن ثبات سیاسی بلندمدت و اجماع ساختاری می‌شود. عدم اجماع و ثبات در ساختار سیاسی لبنان نیز موجب ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی و بروز بحران‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به صورت دوره‌ای در این کشور می‌گردد و همکاری‌های بلندمدت را با مشکلاتی مواجه می‌سازد.

۶-۲. اعتراضات مستمر

اعتراض، جنبش اجتماعی و در برخی مواقع آشوب جزء لاینفک حیات سیاسی - اجتماعی لبنان به شمار می‌رود. چندین سال است که نام این کشور با اعتراضات مستمر گره خورده است. دلایل مختلفی برای این اعتراضات بیان می‌شود. عواملی همچون تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی از سال ۲۰۰۸، وضعیت نامطلوب درآمدها و بدهی‌های دولت، اعمال سیاست‌های جدید مالیاتی با هدف جبران کسری بودجه، عدم توازن درآمدها و هزینه‌ها، افزایش مالیات‌ها و افزایش فشار اقتصادی به مردم، فساد گسترده اقتصادی و اداری و غیره از جمله مهم‌ترین دلایل اعتراضات چندسال اخیر لبنان بوده است.

۳-۶. فساد گسترده در لبنان و شائبه‌های فساد در جریان‌های شیعی لبنانی

فسادهای مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای از دیرباز دامنگیر جامعه لبنان بوده است. با وجود فراگیر بودن فساد در این کشور اما برخی سعی کرده‌اند تا جریان‌های شیعی را عامل و علت اصلی فساد گسترده در لبنان بنامند. در ذیل برخی از شایع‌ترین فسادهای رایج در جامعه لبنان عنوان می‌گردد.

الف) فساد دانشگاهی

وجود دانشگاه‌های قدیمی در لبنان همواره زمینه مناسبی برای دیپلماسی علمی و فعالیت‌های مشترک میان دانشگاهی میان ایران و لبنان به شمار می‌رفته است، اما در چند سال گذشته به دلیل رسوایی فروش هزاران (تقریباً ۲۷۰۰۰) مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری به دانشجویان عراقی توسط دانشگاه‌های منتسب به شیعیان همانند دانشگاه الجامعه الاسلامیه فی لبنان، الجامعه الحدیثه للإداره و العلوم و دانشگاه الجامعه الجنان این فرصت از دست رفته و یک بی‌اعتباری برای جامعه شیعیان لبنان به وجود آورده است (اندیشکده مرصاد، ۱۳/۹/۱۴۰۰). این رخداد نه تنها ضربه‌ای بر اعتبار دانشگاه‌های اسلامی لبنان بود، بلکه با توجه به اینکه این فساد برای دانشجویان عراقی رخ داده است، تردید و ابهامی هم در مورد دانشگاه‌های ایرانی به دلیل پذیرش حجم قابل توجهی از دانشجویان عراقی به وجود آورد. در حقیقت با انتشار خبر فروش مدرک تحصیلی به دانشجویان عراقی، برخی نگاه‌ها نیز به دانشگاه‌های ایرانی به عنوان بزرگترین مقصد دانشجویان عراقی دوخته شد.

ب) فساد و بحران اقتصادی

بی‌ثباتی و بحران اقتصادی در لبنان عوامل مختلفی دارد. افزایش سالیانه بدهی‌های خارجی، وابستگی به استقراض خارجی، وجود فساد در سیستم بانک مرکزی و خزانه‌داری دولت، فراگیری قاچاق کالا، کاهش ورود حواله‌های خارجی و بروز بحران ارزی، کاهش درآمدهای گردشگری، تحریم‌های بانکی، فشارهای خارجی علیه برخی نهادهای لبنانی، انفجار بندر بیروت، دخالت سیاسی کشورهای خارجی، سیاسی کاری

برخی از احزاب سیاسی، ناکارآمدی بدنه دولت، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، فساد سازمان‌یافته اداری، شیوه‌های ناپایدار تأمین مالی و غیره از عوامل بروز بحران اقتصادی در لبنان شده است (محفوظی، ۱/۷/۱۴۰۰).

پ) فساد سازمان‌یافته

پدیده فساد سیاسی و به دنبال آن فساد افسارگسیخته اقتصادی موضوع جدیدی در لبنان نیست و به موضوعی سازمان‌یافته در این کشور تبدیل شده است که خاستگاه آن به دهه ۹۰ میلادی باز می‌گردد. برآوردی که سازمان‌های بین‌المللی از فساد در لبنان به عمل آورده‌اند حاکی از این است که حدود ۴۰ درصد از بودجه کشور به دلیل فساد سازمان‌یافته از بین می‌رود. گروه‌های سیاسی داخلی لبنان نیز به دلیل اینکه از ساختار نهادینه شده فساد بهره‌برداری می‌کنند، عزم جدی برای مقابله با فساد در این کشور را ندارند؛ چراکه از طریق ساختار فعلی می‌توانند منابع مالی داخلی از قبیل بودجه یا کمک‌های مالی بین‌المللی یا کمک‌های مالی کشورهای دیگر را به عنوان یک منبع درآمد شخصی برای خود لحاظ کرده و از آن بهره‌مند شوند؛ این امر سبب گردیده تا هیچ اقدام جدی برای مقابله با فساد سازمان‌یافته در لبنان صورت نپذیرد (Schenker, 2021/1/29).

۴-۶. وضعیت نامناسب مناطق شیعه‌نشین

به دلیل چند قومیتی و متنوع بودن جامعه لبنان، محله‌های مختلف این کشور به اسم اقوام و اقلیت‌های مختلف شناخته می‌شوند. در این میان مناطق شیعه‌نشین نسبت به مناطق مسیحی‌نشین از آبادانی و بهداشت بسیار کمتری برخوردار هستند. برخی سعی دارند تا عقب‌ماندگی و چهره نامناسب مناطق شیعه‌نشین را نتیجه اتخاذ رویکرد

۱. کمک‌های خارجی و استقراض از نهادهای مالی بین‌المللی یک روش تأمین مالی رایج و البته ناپایدار در لبنان است. اهداکنندگان کمک‌های خارجی در قبال کمک‌های خود انتظاراتی از گروه‌های سیاسی داشته و خواسته‌هایی را مطرح می‌کنند که این امر به نوبه خود کشور را با مشکلاتی مواجه ساخته و موجب بروز بحران‌های سیاسی می‌شود.

مقاومت معرفی کنند. این در حالی است که از دیرباز حکومت‌های مختلف لبنانی به مناطق شیعه‌نشین اهتمام بسیار کمتری داشته‌اند و تأسیس گروه‌های مقاومت و کنشگری فعال حزب‌الله لبنان وضعیت محل زندگی شیعیان بسیار بهتر از سابق شده است (علوی، ۱۳۹۰/۱/۳۰). اما همچنان بسیاری از مناطق شیعه‌نشین از حیث آبادانی، امکانات و خدمات شهری در وضعیت نامناسبی قرار دارند. این امر می‌تواند دیپلماسی عمومی مقاومت و جمهوری اسلامی ایران در این کشور را تضعیف سازد.

۵-۶. دخالت کشورهای خارجی

یکی از عوامل بروز بحران سیاسی و اقتصادی در لبنان، دخالت کشورهای خارجی است. دخالت کشورهای خارجی عمدتاً به اقدامات آمریکا و هم‌پیمانان آن برای مهندسی رویکردهای سیاست داخلی و خارجی دولت لبنان باز می‌گردد. فرانسه، عربستان و آمریکا همواره پیرامون تصمیم‌گیری در مورد لبنان با یکدیگر هماهنگی داشته‌اند؛ برای مثال هدف اصلی آمریکا از دخالت در امور داخلی لبنان ایجاد فشارهای معیشتی به مردم از طریق فلج کردن سیستم بانکی، ممانعت ورود دلار به کشور و جلوگیری از ورود سرمایه‌گذاران خارجی به لبنان بوده است تا مردم را در دوگانه حمایت از مقاومت یا زندگی مرفه قرار دهد.^۱

فرانسه نیز با فعالیت جدی در غرب آسیا در پی این است تا با کمرنگ شدن حضور آمریکا، خود را جایگزین آمریکا در این منطقه سازد، به همین دلیل در موضوعات مهم سیاسی کشورهای غرب آسیا حضور جدی می‌یابد تا ایفای نقش کند؛ یکی از این کشورها لبنان است. کشور فرانسه که طی چندین قرن گذشته نفوذ زیادی در لبنان داشته است پس از انفجار بیروت حضور خود در این کشور را بیش‌ازپیش تقویت کرد.

۱. هنگامی که مایک پمپئو وزیر امور خارجه سابق آمریکا به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد و از آنجا مستقیماً راهی لبنان گردید، طی سخنانی دو گانه زندگی مرفه یا حمایت از مقاومت را برای انتخاب یکی از آنان توسط مردم ترسیم کرد. وی چنین القا کرد که در صورت تمایل مردم به زندگی مرفه می‌بایست از حمایت جنبش مقاومت اسلامی لبنان موسوم به حزب‌الله دست شویند.

در ارتباط با دخالت عربستان سعودی در لبنان نیز بایستی عنوان داشت که عربستان سعودی به همراه فرانسه و آمریکا به دنبال اعمال فشار اقتصادی به مردم لبنان با هدف معرفی کردن حزب‌الله لبنان به عنوان عامل و مسبب وضعیت موجود است. کنش عربستان در لبنان بر سلاح حزب‌الله تأکید دارد و در پی این است تا از طریق فشارها و اعتراضات مدنی حزب‌الله را خلع سلاح کند. هدف غایی و نهایی سعودی‌ها از این بحران، منتهی ساختن آن به بن‌بست جهت بازنگری در پیمان طائف است.

در ارتباط با فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در قبال لبنان نیز بایستی عنوان داشت که رژیم صهیونیستی بسیار در تکاپو است تا مانع از کاهش یا توقف فشارهای اقتصادی غرب و کشورهای عربی منطقه بر لبنان شود. سران این رژیم بر این باور هستند که با ادامه و استمرار فشارهای اقتصادی بر لبنان روند تشکیل دولت در این کشور طولانی خواهد شد و این امر در پایان به ضرر مقاومت لبنان خواهد بود و شکست آن را در پی خواهد داشت. از این رو با رایزنی‌های مداوم در کشورهای غربی و عربی به دنبال حفظ ساختار فشارهای اقتصادی بر لبنان است.

۷. تهدیدهای پیش روی همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در لبنان
مقصود از تهدید، خطرها یا موانعی است که ممکن است در مسیر تعاملات و همکاری‌های دو بازیگر قرار گرفته و روابط آنان را تحت‌الشعاع قرار داده و متضرر سازد. این تهدیدها ممکن است بالقوه و یا بالفعل باشند. در این قسمت از پژوهش نیز تلاش می‌شود تا تهدیدهای بالقوه و بالفعلی که ممکن است روابط و همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در لبنان را تحت‌الشعاع قرار دهند، بیان گردد.

۷-۱. علاقه مردم لبنان به فرانسه

با وجود اینکه فرانسه به ظاهر از لبنان رخت بر بسته اما همچنان نفوذ فرهنگی و نرم خود در جامعه این کشور به ویژه در میان مسیحیان را حفظ کرده و به ارائه چهره مطلوب از خود در ذهن مردم آن پرداخته است. حضور جمعیت قابل‌توجهی از مسیحیان در لبنان، جامعه این کشور را آماده پذیرش فرهنگ فرانسوی کرده است. به

ویژه اینکه مسیحیان در غرب آسیا در اقلیت قرار داشته و همین امر سبب می‌گردد تا این اقلیت در لبنان جهت برخورداری از حمایت یک کشور مسیحی به سوی فرانسه گرایش یابند.

در حال حاضر گویا به جز مسیحیان لبنان، برخی دیگر از اقلیت‌های مذهبی این کشور به سوی فرانسه گرایش یافته‌اند. از شعر و ادب فرانسه گرفته تا سبک زندگی فرانسوی، همه و همه، فراگیری قابل توجهی پیدا کرده است. امروزه فرانسه در ذهن و روح و روان لبنانی‌ها (و نه فقط مسیحیان) به یک نمونه و الگوی برتر دموکراسی تبدیل شده است (اقدامی، ۱۳۹۹/۵/۲۰).

۲-۲. انحراف اعتراضات عمومی به ضدیت با حزب‌الله

گروه‌های مخالف مقاومت در لبنان از هر فرصتی جهت تضعیف مقاومت بهره می‌جویند. احزاب و شخصیت‌های سیاسی لبنان که بخشی از فساد در این کشور را رقم زده و خود بانی وضع موجود در لبنان هستند، سعی داشته‌اند اعتراضات به حق مردم در حوزه اقتصاد و معیشت را به سمت‌وسوی سیاسی و با هدف حمله و هجمه علیه حزب‌الله لبنان و محور مقاومت منحرف کنند. در بحران اخیر نیز نقش‌آفرینی برخی بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات و همچنین کشورهای فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و فرانسه در تشدید بحران اقتصادی و معیشتی مردم با هدف سیاسی کردن آن در جهت حمله به حزب‌الله لبنان و محور مقاومت بوده است. در طی سالیان گذشته نیز سفارت آمریکا، عربستان و امارات متحده عربی در لبنان سعی کردند با ایجاد بحران‌های صوری و موج‌سواری بر روی آن، بحران معیشتی را به بحران سیاسی-امنیتی بدل کرده (اسداللهی، ۱۴۰۱/۲/۲۲) و حزب‌الله را عامل این بحران‌ها معرفی سازند.

۲-۳. تخریب چهره ایران

بازیگران مخالف مقاومت سعی می‌کنند تا علت بحران‌های مختلف در لبنان را دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی این کشور معرفی کنند. آنان ادعا می‌کنند که

برای تقویت معیشت مردم، تضعیف مقاومت در لبنان ضرورت دارد. در چنین شرایطی این الزام برای جمهوری اسلامی به وجود می‌آید که به منظور خنثی‌سازی این هجمه، با فعال کردن دیپلماسی عمومی خود و با تبیین تجارب تاریخی لبنان، مقاومت را متضمن تأمین امنیت این کشور (به‌عنوان پیش‌شرط اصلی برای دستیابی به رفاه و معیشت مطلوب) معرفی کرده و ریشه مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم لبنان را تحریم‌های ظالمانه و سختگیرانه آمریکا اثبات کند.

۴-۷. طراحی چارچوب تحریمی اروپا علیه طرفداران حزب‌الله

اتحادیه اروپا نسبت به وضعیت لبنان و بن‌بست این کشور در تشکیل دولت جدید به طراحی چارچوب تحریمی پرداخت که مورد حمایت و تشویق مقامات آمریکایی قرار گرفت. کلیت این ساختار تحریمی شامل ممنوعیت سفر و بلوکه شدن دارایی‌های افراد حقیقی و حقوقی می‌شود که شامل موارد ذیل شوند:

اخلال در فرایندهای سیاسی دموکراتیک یا ایجاد مانع در راه تشکیل دولت - ممانعت یا اخلال در مسیر اجرای برنامه‌های مقامات لبنانی یا بازیگران بین‌المللی مرتبط همانند اتحادیه اروپا - انجام تخلفات عمومی در حوزه سرمایه‌های عمومی.

در حال حاضر حزب‌الله لبنان با وجود اتهاماتی در مورد خارج کردن سوخت از لبنان به منظور تأمین سوخت مورد نیاز دولت سوریه، هم به موجب بند چهارم از چارچوب تحریمی ذکر شده و هم به موجب حمایت از دولت سوریه در معرض خطر تحریم اتحادیه اروپا قرار دارد. بدیهی است که بسته به میزان سختگیری در تفسیر این قانون افرادی که مصداق قوانین یاد شده تشخیص داده می‌شوند ممکن است شامل طیف وسیعی از سیاست‌مداران احزاب متحد حزب‌الله، اعضای پارلمان و وزرا شوند. همچنین بند دوم نیز خطر تحریم کلیت سازمان حزب‌الله را با استناد به بیانیه بعدا (صادر شده توسط دولت لبنان و مورد ارجاع بیانیه شماره ۱۱۸۲۴ شورای امنیت سازمان ملل) به دلیل نقض بی‌طرفی لبنان به همراه دارد (سعدالدین، ۱۴۰۰/۶/۸).

۵-۷. تبعیت کامل دولت لبنان از آمریکا

دولت لبنان غالباً با بحران‌های مختلف اقتصادی و بهداشتی روبه‌رو است. هم‌پیمانان آنان همچون آمریکا، فرانسه و اروپا برخی مواقع جهت تنبیه دولت و احزاب و شخصیت‌های سیاسی و مجبور کردن آنان به تمکین از خود، از ابزار تحریم و فشار اقتصادی بهره می‌برند. برخی مواقع که وضعیت معیشتی مردم لبنان با بحران مواجه می‌شود حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد مساعدت‌هایی در زمینه تأمین سوخت به مقامات بیروت می‌دهند اما سیاست‌مداران لبنان این پیشنهادات را نمی‌پذیرند؛ چرا که اغلب بدنه دولت لبنان متشکل از احزاب و جریان‌های مختلفی است که تابع آمریکا، اروپا و عربستان هستند (علوی، ۱۳۹۹/۶/۲۰). در این رابطه نیز می‌بایست توجه داشت که دولت لبنان تبعیت بسیار زیادی از آمریکا دارد، خصوصاً در امور بانکی و امنیتی و نظامی، به همین دلیل خرید از ایران را حتی در موارد غیر تحریمی دنبال نمی‌کند و حتی مساعدت‌های رایگان در زمینه برق یا سلاح برای ارتش را نیز قبول نکرده است. این موضوع نه فقط برای ایران بلکه در مورد روسیه هم ساری است (علوی، ۱۴۰۰/۱/۴).

۶-۷. اعمال محدودیت در سفر ایرانیان به لبنان

به نظر می‌رسد بطور نامحسوس و غیرمستقیم موانعی در سفر ایرانی‌ها به لبنان ایجاد شده است. در ۱۰ سال گذشته سفر به لبنان بسیار راحت‌تر از امروز بود. در سال‌های اخیر با روش‌های مختلف، حضور ایرانی‌ها در لبنان در حال کم‌رنگ شدن است. تعداد پروازها به لبنان نسبت به دوران قبل از شیوع کرونا محدودتر شده است. این محدودیت از زمان شیوع کرونا آغاز شده و هنوز نیز وجود دارد. محدودیت‌هایی که دولت لبنان برای ایران وضع کرده بیشتر از محدودیت‌های وضع شده برای سایر کشورهاست. لزوم تهیه کارت بهداشت، نبود نام برخی از شرکت‌های هواپیمایی ایرانی جهت تهیه بلیط، غیر فعال بودن سامانه‌های الکترونیکی لازم جهت سفر به لبنان در

ایران و غیره از جمله این محدودیت‌ها و یا به عبارتی مانع‌تراشی‌ها است (علوی، ۱۴۰۰/۱۰/۳۰).

۷-۷. بازگشت مجدد فرانسه

لبنان برای مقامات فرانسوی بسیار اهمیت دارد، زیرا بخش قابل‌توجهی از جمعیت این کشور عربی مسیحی بوده و ریاست جمهوری نیز در آن متعلق به مسیحیان است. فرانسوی‌ها که امروزه به دنبال بازیابی نقش و حضور پیشین خود در لبنان هستند، قصد دارند تا با کمرنگ شدن حضور آمریکا در غرب آسیا، خود را جایگزین این کشور در این منطقه سازند؛ به همین دلیل در موضوعات مهم سیاسی لبنان همچون انفجار بندر بیروت و بحران‌های سیاسی و اقتصادی حضور و مشارکت جدی می‌یابند. هدف کلان فرانسه حضور در منطقه غرب آسیا از رهیافت بازگشت مجدد به لبنان و حضور اثرگذار در این کشور است (العالم، ۱۳۹۹/۶/۱۲).

۸. راهبردهای همکاری‌های ایران و محور مقاومت در لبنان

در این قسمت به ارائه راهبرد و پیشنهاد جهت تقویت روابط و همکاری‌های ایران و محور مقاومت در لبنان پرداخته می‌شود. ممکن است برای تمام موانع و مشکلات و بحران‌های موجود راهکار کافی ارائه نشود؛ اما با این وجود تلاش می‌شود تا راهکارهایی که می‌تواند در عرصه عمل تحقق یابد، هرچند اندک ارائه شود.

۸-۱. استمرار حمایت از مقاومت

در شرایط بحرانی فعلی در لبنان، این امکان برای جمهوری اسلامی فراهم است که از مزیت خود در حوزه انرژی جهت تقویت روابط خود با دولت و محور مقاومت در لبنان استفاده کند. اگرچه ایران نیز خود تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار دارد اما با ارسال میزانی از سوخت و سایر مشتقات نفتی و همچنین کمک به تولید برق در لبنان ایفای نقش نماید. این کمک‌ها ضمن ارائه چهره‌ای بشردوستانه از جمهوری اسلامی و تصویری جامع و همه‌جانبه از سیاست‌های ایران در لبنان، اتهام حمایت‌گری صرف از

حزب‌الله را از آن دور ساخته و به ارتقای اعتبار و وجاهت حزب‌الله در داخل لبنان نیز کمک می‌کند.

۸-۲. بهبود و گسترش روابط با مسیحیان

بهبود و گسترش روابط میان ایران و حزب‌الله با مسیحیان لبنان باید در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گیرد. با توجه به این واقعیت که جز جریان مسیحی سمیر جعجع که سر سازگاری با ایران ندارد، سایر جریان‌های مسیحی آمادگی همکاری با شیعیان لبنان را دارند. شایسته است حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران بهبود و گسترش روابط خود با مسیحیان را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهند. با توجه به قدرت حداکثری حزب‌الله در لبنان، طایفه مسیحیان بیش از گذشته جهت تقویت روابط خود با شیعیان لبنان متمایل خواهند بود. این امر می‌تواند دیپلماسی مقاومت را بیش از گذشته تقویت نماید. ذکر این نکته مهم است که مسیحیان لبنان اکنون به واسطه اعتمادسازی حزب‌الله طرفدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند (فتحعلی، ۱۳۹۷).

۸-۳. افزایش همکاری رسانه‌ای با حزب‌الله

با توجه به اینکه امواج رسانه‌ای گسترده‌ای در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله کشور لبنان علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده، ضروری است به تقویت قدرت رسانه‌ای ایران برای کنترل و مهار جریان‌سازی‌های منطقه‌ای علیه جبهه مقاومت و حزب‌الله لبنان همت گماشت. ایجاد شبکه‌های خبری برون‌مرزی مشترک میان ایران و حزب‌الله می‌تواند در این زمینه مثمر ثمر واقع شود.

۸-۴. اتخاذ راهبرد بی‌طرفی فعال جهت دفع انواع اتهامات

در باب نحوه برخورد جمهوری اسلامی ایران با تحولات و دورنمای سیاسی لبنان باید به یک نکته مهم توجه داشت که هدف تنش‌زای نهایی جبهه غربی - عربی - عبری و مشخصاً آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی این است که ائتلاف ضد ایران و ضد حزب‌الله را تقویت کنند. یکی از مسیرهایی که آمریکا و رژیم صهیونیستی برای رسیدن به این هدف دنبال می‌کنند، اتهام دخالت در امور داخلی لبنان به ایران است.

جمهوری اسلامی ایران جهت رفع این اتهام شایسته است در پاره‌ای مواقع راهبرد بی‌طرفی فعال را اتخاذ کند.

نتیجه‌گیری

تقویت روابط فرهنگی و ایدئولوژیک مقاومت اسلامی لبنان و توسعه همکاری‌های آن با جمهوری اسلامی ایران دستاوردهای قابل‌توجهی را برای طرفین ایرانی و لبنانی به دنبال داشته است. افزایش قدرت هویت شیعی در منطقه، ایجاد همبستگی بین شیعیان لبنان و ایران و تقویت همکاری‌های فرهنگی، رسانه‌ای از جمله این دستاوردها هستند. توسعه روابط این دو بازیگر ناراحتی مخالفانی را برانگیخته و موانعی را از جانب آنان به دنبال داشته است. این امر سبب گردیده تا به رغم وجود نقاط قوت و فرصت‌های قابل‌توجه جهت توسعه و تعمیق روابط، تهدیدها و موانعی از جانب آنان در مسیر همکاری‌های ایران و لبنان به وجود آید. جهت رفع موانع و خنثی‌سازی این تهدیدها لازم است، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد بی‌طرفی فعال در تحولات لبنان اتهامات را از خود دفع ساخته و با گسترش روابط خود با گروه‌های مختلف این کشور همچون مسیحیان جهت تهیه زمینه‌های ثبات سیاسی و اقتصادی در این کشور کمک کند. تقویت دیپلماسی پارلمانی و تقویت قدرت رسانه‌ای با حزب‌الله از جمله اقداماتی است که در این زمینه می‌توان انجام داد. از جمله مواردی که به توسعه روابط فرهنگی لطمه می‌زند، دامن زدن به فرقه‌گرایی و عدم تعامل با اجتماعات رقیب در لبنان و فراتر از مرزهای لبنان مانند عربستان است و بدین دلیل که این کشور به شدت منازعه‌خیز است، همواره پس از هر بحران امکان مداخله کشورهای خارجی در آن وجود دارد.

کتابنامه

منابع فارسی

۱. العالم، (۱۳۹۹/۶/۱۲). لبنان در صد سالگی، بازگشت فرانسه و اعتراف به اهمیت

حزب‌الله، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

۲. اردیزی، فرج اله (۱۳۸۹). عملیات روانی حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی، مطالعات عملیات روانی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۶، از ۱۰۱ تا ۱۲۹.

۳. اسداللهی، مسعود (۱۴۰۱/۲/۲۲)، بحران معیشت و انتخابات پارلمانی لبنان، سایت خبری تحلیلی بولتن نیوز، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://www.bultannews.com>

۴. اقدامی، سامان، (۱۳۹۹/۵/۲۰)، چرا لبنانی‌ها عاشق فرانسه‌اند؟ حزب‌الله هم احترام فرانسه را حفظ می‌کند! شعوبا، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://shouba.ir>

۵. اندیشکده مرصاد، (۱۴۰۰/۹/۱۳)، رسوایی فروش مدرک به دانشجویان عراقی؛ از تعلیق دانشگاه اسلامی لبنان تا زنگ خطر برای دانشگاه ادیان و مذاهب قم: اندیشکده مرصاد، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://mersadcss.com>

۶. بیگی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه جامع امام حسین (ع) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).

۷. پاشاپور یوالاری، حمید (۱۳۹۲). حزب‌الله و بیداری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۸. خواجهی، پیمان و مهاجرانی، سیدمجید و دومانلو، طیبه (۲۰۱۳). بایسته‌های استراتژیک ایران در مقابل داعش تحلیلی بر اساس مدل SWOT، فصلنامه مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، صص ۱-۱۴.

۹. درخشه، جلال و بیگی، علیرضا (۱۳۹۵). «کارآمدی حزب‌الله لبنان در دستیابی به مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶ (۴)، صص ۳۳-۵۹.

۱۰. دهقانی فیروزآبادی، دکتر سیدجلال (۱۴۰۰)، اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۲)، چاپ چهارم، بهار ۱۴۰۰، تهران: انتشارات سمت.

۱۱. دهنوی، رضا (۱۴۰۱/۴/۲۵) همه مذاهب پذیرای خدمات ماندگار ایران در لبنان/خاطراتی از شهیدشاطری، خبرگزاری مهر، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

www.mehrnews.com

۱۲. سازمند، بهاره و معصومی زارع، هادی. (۱۳۹۴). الگوی سه بعدی تحلیل منطقه‌گرایی سیاسی بازیگران فروملی (با نگاهی به تجربه جنبش‌های امل و حزب‌الله لبنان)، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۲۹-۱۵۶.

۱۳. سعدالدین، سهراب، (۱۴۰۰/۶/۸)، راهبرد اروپا و فرانسه در قبال بحران سیاسی-اقتصادی لبنان، اندیشکده جریان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://jaraian.com>

۱۴. سعد غریب، امل (۱۳۸۴)، دین و سیاست در حزب‌الله، ترجمه غلامرضا تهامی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

۱۵. سرخیل، بهنام (۱۳۸۷). حزب‌الله پیروز، چاپ اول، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۶. علوی، محمود (۱۳۹۹/۶/۲۰). چرا لبنان از ایران کمک نمی‌گیرد؟ لیبنیران؛ پایگاه مستقل اطلاع رسانی مسائل لبنان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://libaniran.com/1399/06/20/iran-help-not-wlcmd>

۱۷. علوی، محمود (۱۳۹۰/۱/۳۰)، مسلمانان غیر مسلمان، پایگاه مستقل اطلاع‌رسانی مسائل لبنان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

۱۸. علوی، محمود (۱۴۰۰/۱۰/۳۰)، جلوگیری از سفر ایرانیان به لبنان، لیبنیران؛ پایگاه مستقل اطلاع رسانی

مسائل لبنان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://libaniran.com/1400/09/30/pass-moph>

۱۹. علوی، محمود (۱۴۰۰/۱/۴)، ترور رستم قاسمی در لبنان، عملیات تروریستی یا بازی رسانه‌ای، لیبنیران؛ پایگاه مستقل اطلاع‌رسانی مسائل لبنان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://libaniran.com/1400/01/04/qasmi-in-lb>

۲۰. علوی، محمود (۱۳۹۹/۶/۲۰). چرا لبنان از ایران کمک نمی‌گیرد؟ لیبنیان؛ پایگاه مستقل اطلاع رسانی مسائل لبنان، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://libaniran.com/1399/06/20/iran-help-not-wlcmd>

۲۱. غفاری، سعید (۱۴۰۰/۵/۲۴). محرم در لبنان؛ جلوه‌ای از نشانه‌ها، رنگ‌ها و اعتقادات خالص، شعوبا، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://shouba.ir>

۲۲. غیاثی کرمانی، محمدرضا (۱۳۸۲). یوسف لبنان، چاپ اول، قم: مؤسسه مطالعاتی دارالکتاب جزایری.

۲۳. فتاحی اردکانی، حسین (۱۳۹۸)، تبیین عناصر و مؤلفه‌های قدرت هوشمند حزب‌الله لبنان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۲، اسفند ۱۳۹۸، صص ۱۲۵-۱۵۰.

۲۴. فتحعلی، محمد (۱۳۹۷) مصاحبه نگارنده با سفیر سابق ایران در لبنان. پنجم آذرماه. قربانی، مصطفی، غفاری، سلیمان و کارگر شورکی، علی (۱۳۹۹). «راهبرد نگاری نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت اسلامی با تحلیل SWOT»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۱، خرداد ۱۳۹۹، صص ۱۵۵-۱۷۶.

۲۵. قزوینی غرابی، سیدرضا (بی‌تا). جریان‌شناسی سیاسی اهل سنت عراق، ویژه‌نامه شناخت کشور عراق، سایت تحلیلی شعوبا.

۲۶. کریمی فرد، حسین (۱۴۰۰)، فرقه‌گرایی و سیاست خارجی در لبنان، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۱۸.

۲۷. محجوب، مصباح (۱۳۹۱). حزب‌الله و رهبری سید حسن نصرالله، ترجمه: محمدرضا میرزاجان (ابو امین). چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

۲۸. محفوظی، سیدحسن (۱۴۰۰/۷/۱). چرا لبنان با بحران ارزی روبرو شد؟ سایت تحلیلی شعوبا، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://shouba.ir>

منابع انگلیسی

29. Abdi, Alireza. Ashouri, Maharamali. Jamalpour, Ghorban. Sandoosi, Seyd Mohammad (2013). *OVERVIEW SWOT ANALYSIS METHOD AND ITS APPLICATION IN ORGANIZATIONS*. SINGAPOREAN Journal Of BUSINESS ECONOMICS, AND MANAGEMENT Studies VOL.1, NO.12, 2013.
30. Axelrod, Robert and Keohane, Robert. (1985). "Achieving Cooperation under Anarchy: Strategies and Institutions", *World Politics*, 38 (1).
31. Bioenergyfarm, (n.d.), Phase 3: Project concept and business plan, available in below link:
<https://www.bioenergyfarm.eu/en/from-idea-to-implementation/phase-3-business-plan/>
32. David, F. (2010). *Strategic Management*, 13th Ed. New York, NY: Macmillan Publishing Company.
33. Gulam, Kamelia (2020) *Chapter 11 SWOT ANALYSIS Process and Basic Components*. Temple University, Philadelphia.
34. Jain, Alka (2015). *SWOT Analysis in Thirukkural: Comparative Analysis with Humphrey SWOT Matrix*. IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM) e-ISSN: 2278-487X, p-ISSN: 2319-7668. Volume 17, Issue 9. Ver. I (Sep. 2015), PP 17-20.
35. Kal Raustiala. (2002) *THE ARCHITECTURE OF INTERNATIONAL COOPERATION*: UCLA Law School.
36. Kate O'Neill, Jorg Balsiger, and Stacy D. VanDeveer. (2004) "ACTORS, NORMS, AND IMPACT: Recent International Cooperation Theory and the Influence of the Agent-Structure Debate". *Annu. Rev. Polit. Sci.* 2004. 7:149-75.
37. Keohane, Robert and Nye, Joseph (1974). *Transgovernmental Relations and International Organizations*, *World Politics*, 27 (1).
38. Lauri Siitonen (1990). *POLITICAL THEORIES OF DEVELOPMENT COOPERATION A Study of Theories of International Cooperation*, University of Helsinki. Institute of Development Studies.
39. Mohammed Nuruzzaman. (2008) *Liberal Institutionalism and Cooperation in the Post-9/11 World*. Department of Political Science University of Alberta.

40. Pattberg, P. (2005): What role for private rule-making in global environmental governance? analysing the forest stewardship council (FSC), in: *International Environmental Agreements* 5, 175–189.
41. Schenker, David (29/1/2021). Assessing Lebanon's Political Paralysis, Economics Crisis, and Challenges for U.S. Policy, available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/assessing-lebanons-political-paralysis-economic-crisis-and-challenges-us-policy>
42. Sterling-Folker, Jennifer, (2002), *Theories of International Cooperation and the Primacy of Anarchy*, New York: State University of New York Press.
43. Raustiala, Kal. (2002). *The Architecture of International Cooperation: Transgovernmental Networks and the Future International Law*, *Virginia Journal of International Law*, 43 (1).
44. TANDON Y (2008). *The Paris Declaration and aid effectiveness*. Retrieved August 24, 2009. <http://www.pambazuka.org>.
45. Thanh Phan. (2018) *REALISM AND INTERNATIONAL COOPERATION IN COMPETITION LAW*. *Houston Journal of International Law*. University of Victoria.
46. Zartman, William and Touval, Saadia (2010). *International Cooperation: The Extents and Limits of Multilateralism*, New York, Cambridge University Press.